

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

ترونی شین و... – تایپ و ارسال: همایون اوریبا

۲۳ سپتمبر ۲۰۲۳

## دو اثر از تجربیات ویتنام

(۳)

### مسأله قهر در انقلاب ویتنام

رفقای عزیز!

مارکسیسم – لنینیسم بر این اعتقاد است که "مسأله اساسی در هر انقلابی، مسأله قدرت است". تنها با اعمال قهر انقلابی توده‌ها برای در هم شکستن قهر ضد انقلابی طبقات استثمارگر حاکم است که کسب قدرت برای خلق و ساختمان جامعه‌ای نوین ممکن می‌گردد.

هرگز هیچ طبقه استثمارگر با میل خود از صحنه سیاسی خارج نشده است، از قدرت خود صرف نظر نکرده و از ستم و استثمار نسبت به خلق دست برنداشته است.

مارکس گفته است که قهر به مثابه "قابله هر جامعه کهنه است که آستن جامعه نوین است". انگلس با بسط ایده مارکس "نقش قهر در تاریخ" را در اثر مشهور خود "آنتی دورینگ" مورد تحلیل قرار داده است. لنین بزرگ‌ترین ادامه دهنده راه مارکس و انگلس گفته است:

"این ایده انقلاب قهر آمیز و دقیقاً همین ایده – پایه تمام دکتترین مارکس و انگلس را تشکیل می‌دهد." (۱) "دولت بورژوازی نمی‌تواند از طریق افول تدریجی جای خود را به دولت پرولتاریائی (دیکتاتوری پرولتاریا) واگذار کند، بلکه در قاعده کلی این عمل تنها توسط یک انقلاب قهر آمیز ممکن است." (۲)

یک معیار اساسی برای تمیز مارکسیست – لنینیست‌ها از اپورتونیست‌های رنگارنگ عبارت است از مسأله اعمال قهر انقلابی توده‌ها برای درهم شکستن ماشین دولتی طبقات استثمارگر (بورژواها، مالکان ارضی) و تأسیس دولت دیکتاتوری پرولتاریا.

بیانیه‌های دو کنفرانس نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری در مسکو در سال ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ همچنین از دو طریق مسالمت آمیز و غیر مسالمت آمیز گزار به سوسیالیسم صحبت می‌کند. حزب ما این نقطه نظر را تأیید می‌کند. لیکن در عین حال تأکید دارد بر این که در زمان حاضر، در بسیاری از کشور های سرمایه داری، سرمایه داران انحصارگر دولتی به درجات مختلف در راه میلیتاریزه کردن و فاشیستی کردن جوامع خود گام نهاده اند و برای سرکوب طبقه کارگر و مردم زحمتکش به بیش‌مانه ترین نوع قهر توسل می‌جویند." به این جهت است که تأکید این نکته که اعمال

قهر انقلابی برای درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و برقراری حکومت دیکتاتوری پرولتاریا، یک قانون جهانشمول برای مبارزه انقلابی طبقه کارگر کشور های سرمایه داری در موقعیت کنونی است، شایان اهمیت است " (۳)

امکان گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم بسیار گرانبهادر، لیکن بسیار نادر است، لذا کمونیست ها در رهبری انقلاب باید خود را برای دو امکان گذار مسالمت آمیز و گذار غیر مسالمت آمیز آماده کنند. لیکن این آماده گی " عمدتاً در مورد امکان گذار غیر مسالمت آمیز است." (۴)

باید از هر گونه پندار بافی در مورد گذار مسالمت آمیز سهل الوصول مطلقاً پرهیز نمود. طبقه کارگر و خلق های مستعمرات به طریق اولی نباید و نمی توانند به خود اجازه چنین پندار بافی را بدهند.

حزب ما از بدو تأسیس خود، با وفاداری به تئوری مارکسیست - لنینیستی انقلاب قهرآمیز، با ارزیابی صحیح از طبیعت ماوراء ارتجاعی امپریالیست ها و فئودال ها و از نیروی اتحاد خلق مبارز و در درجه اول نیروی کارگران و دهقانان، همواره تأکید کرده است که راه انقلاب قهر آمیز یگانه راه صحیح برای سرنگون ساختن دشمنان طبقاتی ملی، کسب قدرت از طرف خلق، دفاع از حکومت انقلابی هدایت انقلاب کشور ما تا پیروزی می باشد.

صدر هوشی مین گفته است: "در مبارزه سخت علیه دشمنان طبقاتی و ملی، برای کسب قدرت و دفاع از آن، لازم است که قهر انقلابی را علیه قهر ضد انقلابی به کار بست." (۵)

در حقیقت، در کشور ما که کشور بود مستعمره و نیمه فئودال بود، امپریالیست ها و نوکران شان خلق را بیرحمانه مورد ستم و استثمار قرار می دادند. بدون آن که اجازه دهند از کمترین آزادی های دموکراتیک برخوردار گردد. بعکس آنان جنبش انقلابی را به وحشیانه ترین وجهی پیوسته مرعوب و سرکوب می کردند. به این جهت حزب ما خیلی زود و به نحوی عمیق تئوری انقلاب قهر آمیز مارکسیست - لنینیستی را درک کرد. بر روی راه انقلاب قهر آمیز - که نه فقط برای کسب قدرت، بلکه برای دفاع از آن نیز تنها راه صحیح است - پا فشاری نمود. این همان چیزی است که انقلاب اوت، جنگ مقاومت دیروز در مقابل استعمارگران فرانسوی، جنگ مقاومت امروز علیه امپریالیست های امریکائی، عملیات تصفیة راهزنان مسلح و کلیة اقدامات انجام شده طی سالیان دراز برای سرکوب ضد انقلابیون در شمال، به نحو روشنی نشان داده اند.

مجموعه تجربیات انقلاب ویتنام، مارکسیسم - لنینیسم را در مورد انقلاب قهر آمیز به ثبوت رسانیده و همه گونه پندار بافی را در مورد " گذار مسالمت آمیز "، هر گونه گرایش رفرمیستی و قانونی گری و هر گونه گرایش به عقب نشینی اپورتونیستی را محکوم نموده است.

در مورد شکل قهر انقلابی، صدر هوشی مین گفته است :

" برای تأمین پیروزی در انقلاب، لازم است که تصمیم در مورد شکل خاص مبارزه انقلابی را به ارزیابی وضعیت مشخص متکی نمود. اشکال مبارزه مسلحانه و مبارزه سیاسی را با تیزبینی مورد استفاده قرار داد و آنها را با یکدیگر ماهرانه ترکیب نمود." (۶)

تحت رهبری حزب، انقلاب ویتنام همواره به دو شکل مبارزه - مبارزه سیاسی و مبارزه مسلحانه - به منظور پیشروی در جهت قیام برای تصرف، و به دو نیرو - نیروی سیاسی توده ها و نیروی مسلح خلق - برای در هم شکستن دستگاه دولتی امپریالیست ها و نوکران شان و فراهم آوردن شرایط تصرف قدرت توسط خلق، توسل بسته است. تلفیق نیرو های مسلح با نیرو های سیاسی، تلفیق مبارزه مسلحانه با مبارزه سیاسی، این است شکل اساسی قهر انقلابی در کشور ما.

از همان بدو تأسیس حزب، یک جنبش انقلابی توده‌ئی در سراسر کشور برپا گردید که نقطه اوج آن ایجاد شورا های ننگه تین در ۳۱-۱۹۳۰ بود. توده های کارگر و دهقان استان های ننگه آن و هاتین به قیام برخاستند. حکمرانان استعمارگرو نیز صاحب منصبان و متنفذین جبار محلی را سرنگون ساختند و حکومت کارگران و دهقانان را در برخی مناطق روستائی برقرار نمودند. این قیام، با وجود آن که به شکست منتهی شد، روح انقلابی تمامی خلق را به شدت بیدار نمود، و اولین تجربیات را در مورد هماهنگ کردن دو وظیفه ستراتیژیکی ضد امپریالیستی و ضد فئودالی، هماهنگ کردن جنبش مبارزاتی کارگران و دهقانان، تحقق بخشیدن به اتحاد کارگران و دهقانان تحت رهبری طبقه کارگر، هماهنگ کردن جنبش انقلابی روستا و شهر و هماهنگ کردن مبارزه سیاسی و مبارزه مسلحانه و غیره، به بار آورد.

از ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ حزب در مقابل خطر فاشیسم و جنگ تجاوزکارانه فاشیستی و به منظور آمادگی برای استفاده از موقعیت مناسب و رهبری مبارزه ای سخت علیه دشمن، پایه فعالیت خود را بر روی تشکیل نیرو های سیاسی توده ئی قرار داد. و برای ایجاد یک جنبش سیاسی نیرومند در شهر و روستا علیه مرتجعین استعمارگر، شاه، صاحب منصبان و متنفذین جبار، به خاطر آزادی های دموکراتیک، برای یک زندگی بهتر، علیه فاشیسم و برای دفاع از صلح جهانی، فعالیت مخفی را با فعالیت علنی و قانونی - که استفاده از " مجلس نمایندگان خلق " و " شورا های مستعمرات " و غیره را نیز در بر می گرفت، ماهرانه ترکیب نمود.

طی جنگ دوم جهانی، از آنجا که مساله تدارک قیام مسلحانه به نحوی عاجلی مطرح گردیده بود، حزب ما از مبارزه سیاسی به برپا نمودن مبارزه مسلحانه گذار کرد. از سازمان های سیاسی توده ئی پا فراتر نهاد و به سازماندهی تشکیلات مسلح و نیمه مسلح خلق ( بریگاد های دفاع از خود برای رهائی میهن، بریگاد های نبرد دفاع از خود، واحد های چریکی ارتش رهائی ملی و ارتش آزادیبخش) پرداخت. مبارزه سیاسی و مبارزه مسلحانه را در سال های تدارک قیام، در مرحله قبل از قیام و حتی در طی قیام عمومی اوت ۱۹۴۵ به طرز منطقی و ترکیب و هماهنگ نمود. انقلاب اوت پیروزی درخشانی بود در امر هماهنگی مبارزه سیاسی و مبارزه مسلحانه به منظور کسب تمامی قدرت توسط خلق. این انقلاب ترازبندی تجربیاتی بود که از سه جنبش انقلابی ای که توسط حزب ما رهبری شده بود - یعنی جنبش انقلابی ملی - دموکراتیک سال های ۳۱-۱۹۳۰، جنبش جبهه دموکراتیک ۳۹-۱۹۳۶ و نهضت آزادیبخش ملی ۴۵-۱۹۳۹ به دست آمده بود. این انقلاب تکرار شورا های ننگه تین بود در مقیاس سراسر کشور: پیروزی انقلاب اوت، پیروزی تئوری مارکسیسم - لنینیسم و پیروزی انقلاب قهرآمیز است که به نحوی خلاقانه توسط حزب ما در شرایط مشخص کشور ما اعمال گردید.

در مقاومت درازمدتی که خلق ما در تمام زمینه ها علیه استعمارگران متجاوز فرانسوی به عمل آورد ( ۱۹۴۵-۱۹۵۴ ) قهر انقلابی به صورت یک هماهنگی بین مبارزه نظامی و مبارزه سیاسی که در آن مبارزه نظامی نقش اساسی را بازی می کرد، نمودار شد. به شکرانه رهبری صحیح حزب و میهن پرستی پرشور خلق ما، جنگ خلق بی مهابا و در مقیاس هر چه وسیع تر رشد کرد، نیرو هایش را که در آغاز بی نهایت ضعیف بودند، بی وقفه تقویت نمود، و به موازات افزایش پیکار ها پیروزی های پی در پی نیز به کف آورد. پیروزی درخشان دین بین فو، مقاومت علیه استعمارگران فرانسوی را به سرانجامی پرافتخار هدایت کرد و صلح را در هندوچین بر اساس شناسائی بین المللی استقلال، حاکمیت، وحدت و تمامیت ارضی ویتنام، کامبوج و لائوس برقرار نمود.

در زمان کنونی، امپریالیست های امریکائی به یک جنگ تجاوزکارانه علیه جنوب کشور ما و یک جنگ نابود کننده - که عمدتاً توسط نیرو های هوائی انجام می شود - علیه جمهوری دموکراتیک ویتنام دست زده اند. در مقابل

چنین اوضاعی، میهن پرستان ما باید برای آزادی جنوب، دفاع از شمال و گشودن راه تجدید وحدت مسالمت آمیز ویتنام، با توسل به قهر انقلابی علیه قهر ضد انقلابی امپریالیست های امریکائی و نوکران شان در سراسر کشور به مقابله برخیزند.

مبارزه نظامی آمیخته با مبارزه سیاسی، اینست شکل عمده قهر انقلابی در جنوب در حال حاضر. این شکل حکم یک ترازبندی همراه با غنی ساختن تجربیات انقلاب اوت و مقاومت علیه استعمارگران فرانسوی را دارد. این شکل مبارزه نه فقط در مبارزه علیه " جنگ ویژه " ، بلکه در مبارزه علیه "جنگ محلی " امپریالیست های امریکائی نیز به کار برده می شود. میهن پرستان جنوب ما توانسته اند در پروسه رشد مبارزه از تظاهرات سیاسی همراه با فعالیت های ترویجی مسلحانه سال های ۵۹-۱۹۵۴ گرفته تا جنبش واحد قیام های متعدد همزمان در سال ۱۹۶۰ و تا جنگ خلق قویاً توسعه یافته ای چون جنگ کنونی - مبارزه نظامی را در مقیاسی وسیع و با مبارزه سیاسی هماهنگ سازند و دشمن را از طریق نظامی و سیاسی و از طریق ترویج در بین قوای دشمن، مورد تهاجم قرار می دهند.

در این رابطه، تعرض ها و قیام هایی که از آغاز سال در جنوب ویتنام جریان داشته اند، قدم تکاملی دیگری در راه هماهنگی فشرده نیرو های نظامی و نیرو های سیاسی، مبارزه نظامی و مبارزه سیاسی، تعرضات نظامی و قیام های توده ای، چه در شهر و چه در روستا، چه در دشت و چه در مناطق کوهستانی محسوب می شوند. این تعرضات و قیام ها فصل نویینی را در مبارزه خلق ما علیه تجاوز امریکا و برای رستگاری ملی گشوده اند و شرایطی را موجب شده اند که به میهن پرستان ما در جنوب امکان می دهد همواره تعداد هر چه بیشتری از نیرو های زنده دشمن را نابود کنند. ارتش دست نشانده را به کلی منهدم و حکومت دست نشانده را سرنگون سازند، نیات تجاوزکارانه امپریالیست های امریکائی را عقیم گذارند و به خلق امکان می دهد قدرت سیاسی را تصرف کند.

در حال حاضر خلق ما در حال هماهنگ کردن مبارزه نظامی، مبارزه سیاسی و مبارزه دیپلماتیک برای نبرد علیه امپریالیستهای امریکائی است.

برای هماهنگ کردن مبارزه سیاسی و مبارزه مسلحانه، خلق ما از طرفی یک جبهه ملی متحد که احزاب سیاسی، سازمان های توده ای مانند سندیکا ها، انجمن های دهقانی، اتحادیه جوانان، اتحادیه زنان، جمعیت های مذهبی میهن پرست و غیره را دربر می گیرد، تشکیل داد و از طرف دیگر نیرو های مسلح توده ای را که شامل نیرو های منظم، نیرو های منطقه ای، ملیشیاای دفاع از خود و ملیشیاای (۱) چریکی و نیروی امنیتی مسلح توده ای ( پس از کسب قدرت در مقیاس ملی و محلی ) است، ایجاد کرد.

تجربه انقلاب ویتنام طی قریب چهار سال به روشنی نشان می دهد که انقلاب قهرآمیز تنها راه صحیح نیل به استقلال ملی، دموکراسی توده ای و سوسیالیسم است. شکل عمده قهر در انقلاب ویتنام عبارت است از هماهنگی فشرده مبارزه سیاسی با مبارزه نظامی - که یکی از این دو، بنا به وضعیت مشخص هر مرحله و یا هر منطقه، نقش اساسی را بازی می کند.

آیا با هماهنگ کردن مبارزه نظامی و مبارزه سیاسی برای تصرف قدرت، حزب ما از یک مشی بینابینی مبارزه مسلحانه و گذار مسالمت آمیز پیروی می کند؟ به هیچوجه، مشی حزب ما برای تصرف قدرت عبارت است از یک مشی انقلاب قهرآمیز که شکل عمده آن هماهنگ کردن مبارزه مسلحانه و مبارزه سیاسی است. در ویتنام صحبت این مشی توسط واقعات به ثبوت رسیده است و باز هم بیشتر به ثبوت می رسد. ما معتقدیم که در شرایط سلطه امپریالیستی و میلیتاریستی، در پیش گرفتن مشی گذار مسالمت آمیز برای تصرف قدرت یک پندار بافی رفرمیستی است. یک انقلاب واقعاً عمیق توده های مردم برای کسب قدرت یقیناً باید مبارزه سیاسی ( مثلاً اعتصاب عمومی سیاسی، اعتصاب

مدارس، اعتصاب بازار ها، اعتصاب ادارات دولتی، میتینگ ها، تظاهرات سیاسی، دموستراسیون های مسلحانه و غیره ) را با نبرد های مسلحانه هماهنگ سازد. یک جنگ توده ئی دراز مدت نیز به طریق اولی، باید هماهنگی مبارزه مسلحانه را با مبارزه سیاسی تحت اشکال مختلف تأمین نماید.

در مورد هماهنگی مبارزه سیاسی با مبارزه مسلحانه، انقلاب ویتنام به تجربیات عمده زیر دست یافته است:

۱ - در جریان رشد انقلاب، مطلقاً لازم است که توده ها را به انجام مبارزات سیاسی تحت اشکال مختلف ترغیب نمود و از این طریق آنها را پرورش داد و بسیج و متشکل نمود. باید حزب و سازمان های سیاسی توده ئی را توسعه بخشید، ( یک ارتش سیاسی توده ئی به وجود آورد )، سپس، در زمان معینی، به محض آن که شرایط اجازه دادند، اقدام به تشکیل نیرو های مسلح انقلابی خلق و برپا کردن مبارزه مسلحانه نمود. سازمان های سیاسی توده ها، پایه نیرو های مسلح توده ئی را تشکیل می دهند. به این شرط است که ماهی ( نیروهای مسلح توده ئی ) می تواند آبی ( سازمان های توده ئی پایه ) برای شنا داشته باشد.

۲ - ارتقای هماهنگی مبارزه نظامی با مبارزه سیاسی به درجه ای نسبتاً بالا: هماهنگ کردن این دو، قبل، در طی و بعد از قیام، هماهنگی در هنگام قیام و همچنین در طی جنگ آزادیبخش برای تصرف قدرت، هماهنگی در روستا و در شهر ها، بین روستا و شهر. هماهنگی از نظر نقشه های عملیاتی تاکتیکی و ستراتیژی در طی جنگ آزادیبخش، درجه اعلاي هماهنگی عبارت است از هماهنگی تعرض عمومی با قیام عمومی.

۳ - انقلاب در یک کشور باید عمدتاً امر خود خلق باشد. هیچ کس نمی تواند این عمل را به جای او انجام دهد. مبارزه انقلابی در یک کشور، تحت رهبری حزب مارکسیست - لنینیست آن کشور است. کمک انقلابی کشور های دیگر بسیار پرارزش و بسیار مهم است، لیکن نمی تواند جانشین مبارزه انقلابی خلق آن کشور گردد. بعکس، حتی این کمک تأثیر خود را از طریق همین مبارزات است که می تواند اعمال کند.

ادامه دارد

\*\*\*\*\*

(۱) - لنین : "دولت و انقلاب" - مجموعه آثار

(۲) - لنین : "آثار منتخب به فارسی" - جلد ۲ قسمت اول

(۳) - "مصوبه پلنوم نهم کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام"

(۴) - همانجا

(۵) - هوشی مین: "انقلاب اکتوبر راه را برای آزادی خلق ما همواره کرده است"

(۶) - همانجا